

رژیم شاه درین بست



سرنوشت کودکان ایرانی: گرسنه و سرگردان

به مناسبت

اول ژوئن

روز جهانی کودکان

شاه و شرکا، پس از نیمگامی که بر اثر فشار و تهاجم نیروهای ملی و جنبش کثرت‌گسترده توده ای و تحولات ژرف جهانی به عقب برداشتنده، آماده یک تعرض و پیشروی دامنه دار شده اند. شاه در هفته‌های گذشته، طی صاحب‌های بسیار غیرنظامی "شیکاگوترین" با خشونت عصبی و بیمارگونه‌ای تاکید کرده که "محافظان زائر هم‌واهم شکست" شاه با این تاکید، روی ادعاهای بوج و خورتنگ کن‌فلی خود را بر سر تعقیب سیاست به اصطلاح "حد اکثر آزادی" کبهارها و بارها باهای و عوی بسیار در باره آن موعود کرده بود، و خط بطلان کشید و روش‌های خشونت بار و ارعابی و اختتامی را مورد تأیید قرار داد. ازینکو، در هفته پیش از آن، اختیارات وسیع و وسی حد و مانع ساواک، کمند ماهی به طرز نسبی تعدیل و محدود شده بود، به آن بازگردانده شده بود. ضمنی از اختیارات اجرایی ساواک از چند ماه قبل به شهرتانی محول شده بود و ساواک عمدتاً بفریاد سارما، حاسوسی و کسب اطلاعات را ایاها می کرد. با این محدودیت نسبی، و طبعاً اصلی ساواک جمع آوری اطلاعات اضنی و شناسایی گروه ها و سازمان ها و عناصر مخالف و واگذاری تمامی این اطلاعات به مسئولان شهرتانی بود. اما شاه، شرکا، ناگهان تغییر جهت دادند. آنها به این نتیجه رسیدند که رژیم که تارک و ریشه شدت عمل در حال است، در آن ناراضی و معترض صحنه گذاشت، تاکید کرد که حقوق و کتبه مرا باای اعضای هیات های آموزشی که به مخالفت با خود سری ها و جنایات رژیم برخیزند، و نیز کتک هزینه دانشجویان مبارز بی درنگ قطع شود و با اخراج وسیع دانشجویان رزنده، دانشگاه ها تعقیب کردند. به توصیه ساواک سیاست سرمازخانه‌ای در راه در صحنه ۲

شاه و شرکا، پس از نیمگامی که بر اثر فشار و تهاجم نیروهای ملی و جنبش کثرت‌گسترده توده ای و تحولات ژرف جهانی به عقب برداشتنده، آماده یک تعرض و پیشروی دامنه دار شده اند. شاه در هفته‌های گذشته، طی صاحب‌های بسیار غیرنظامی "شیکاگوترین" با خشونت عصبی و بیمارگونه‌ای تاکید کرده که "محافظان زائر هم‌واهم شکست" شاه با این تاکید، روی ادعاهای بوج و خورتنگ کن‌فلی خود را بر سر تعقیب سیاست به اصطلاح "حد اکثر آزادی" کبهارها و بارها باهای و عوی بسیار در باره آن موعود کرده بود، و خط بطلان کشید و روش‌های خشونت بار و ارعابی و اختتامی را مورد تأیید قرار داد. ازینکو، در هفته پیش از آن، اختیارات وسیع و وسی حد و مانع ساواک، کمند ماهی به طرز نسبی تعدیل و محدود شده بود، به آن بازگردانده شده بود. ضمنی از اختیارات اجرایی ساواک از چند ماه قبل به شهرتانی محول شده بود و ساواک عمدتاً بفریاد سارما، حاسوسی و کسب اطلاعات را ایاها می کرد. با این محدودیت نسبی، و طبعاً اصلی ساواک جمع آوری اطلاعات اضنی و شناسایی گروه ها و سازمان ها و عناصر مخالف و واگذاری تمامی این اطلاعات به مسئولان شهرتانی بود. اما شاه، شرکا، ناگهان تغییر جهت دادند. آنها به این نتیجه رسیدند که رژیم که تارک و ریشه شدت عمل در حال است، در آن ناراضی و معترض صحنه گذاشت، تاکید کرد که حقوق و کتبه مرا باای اعضای هیات های آموزشی که به مخالفت با خود سری ها و جنایات رژیم برخیزند، و نیز کتک هزینه دانشجویان مبارز بی درنگ قطع شود و با اخراج وسیع دانشجویان رزنده، دانشگاه ها تعقیب کردند. به توصیه ساواک سیاست سرمازخانه‌ای در راه در صحنه ۲

انتخاباتی و اجرایی است، ملی‌رغم این همه شکنجه برخلاف اصل ۷۹ قسم قانون اساسی که اعلام می دارد "در موارد تصورات سیاسی و مطبوعات هیئت متصفین در محاکمه حاضر خواهند بود" و به استناد اصل ۷۲ قسم قانون اساسی "تقاضات راجع به حقوق سیاسی مربوط به محاکمه عدلیه است" مرا هم مثل هزاران زندانی سیاسی به محاکمه دادگاههای نظامی شهر تهران تحویل داده و در آنجا برخلاف قوانین فوق الذکر به طور سری و بدون حضور هیئت متصفین محاکمه کرده، پس حبس دائم محکوم نمودند. از اولین لحظات بازداشت که از شهر خود به پایتخت انتقال داده شد، تا چند ماه بعد از محکومیت نیز به طور غیر قانونی ممنوع الملاقات و ممنوع الکالمه بودم و این امر خانواده ام را باها ها اسیر و سرگردان نمود و ترس از سرنوشت فرزند موجب نگرانی و ناراحتی های روانی بیش از حد آنان را فراهم نمود. بعد از محکومیت نیز بلافاصله به زندان دیگری تبعید کردند. هدف رژیم از تبعید متهم (زندانی سیاسی) به بدترین نقاط کشور جز ۱- وارد آوردن فشار اقتصادی و به خاک سیاه نشانیدن تمام اعضا خانواده ۲- ایجاد جو دافگری و در نتیجه شستشوی مغزی زندانی سیاسی ۳- کشتن خصلت های انقلابی ۴- تحصیل در راه در صحنه ۳

رماست محترم کمیسیون حقوق بشر اکنون هفت سال است که اینجانب هم‌روز حق ضیع فرزند حمین شود، نیز آمو زگار پیشین در هسبات آذربایجان به جرم این عقاید سیاسی من برخلاف میل مرکز کنترل عقاید و اندیشه های حکومت حاکم بوده و به باحاطه سلطنتانه ما موران سازمان امنیت بازداشت شده ام و از اولین لحظه اسارت در زنده‌ی بدترین شکنجه های جسمی و روحی قرار گرفته ام که انواع آن برای تمام سازمان ها بین‌المللی و مردم آزاد بخواد و شرقی جهان شناخته شده است. با توجه به پیونده ساختگی رژیم حاکم در طول این شکنجه های غیر انسانی اختتامی کدال بر تائید اتهامات وارده در دادگاههای نظامی باشد از من نگرفته اند و با توجه به اعلامه حقوق بشر که دولت وقت نیز حقوق و شایسته شده در این مبنای را در طر محاکمات خود قبول دارد و به استناد ماده ۱ آن اعلامه که بیان می نماید "احدک را نمی توان تحت شکنجه یا مجازات بارفتاری قرار داد که طالبان و با برخلاف انسانیت و شئون بشری و با موهسن باشد" و همچنین به استناد ماده ۱۳۱ قانون مجازات عمومی "اعمال شکنجه غیر قانونی بوده و کتبه اعتراضات متهم در زیر شکنجه چه بر علیه خود چه بر علیه دیگران فاقد

نامه تکان دهنده

از شکنجه گاه

این نامه ای است از زندان و صدای است از اعماق شکنجه گاههای دوزخی شاه. آنچه در این نامه تکان دهنده آمده است، سفند زندم‌های است برای رسوایی ابدی رژیم جنایتکاری که تاریخ بشری کسر نظیر آن را به یاد دارد. "نمود" مین نامه رضیق مبارز بهروز حق را برای ثبت در تاریخ و افشای گوشه ای از پلیدی های ناشناخته دار و دستنه اهلیمی شاه چاپ می کند

کارگران ایران، در راه احیای سازمان های صنفی و سیاسی خود مبارزه کنید!